

متن پرسش

با سلام: بنده مطالبی که شما درباره بحث «حسادت» و چگونگی مقابله با اون فرمودید رو مطالعه کردم تا به شناخت بهتری از مسئله خودم برسم. من سالهاست که دچار احساساتی میشم که شاید اسمش حسادت باشه به این معنا که بعضی موفقیت های دیگران باعث کدورتم میشه. فقط موفقیت‌هایی که در عرصه‌هایی باشه که من هم در اون عرصه‌ها مشغول فعالیت باشم. اما نه به این صورت که طلب زوال اون نعمت و موفقیت رو از دیگری داشته باشم. بلکه دچار این خودزنی میشم که چرا من برای خدمت به نظام اسلامی و به امام‌زمان توانمندی‌های منحصر به فردی ندارم. چرا کم، چرا به قدر کافی به درد نمیخورم، چرا متخصصی نیستم که کس دیگه‌ای به گرد پام نرسه و من بتونم به صورت خاص به درد بخورم؟ برای من سرباز صفر امام زمان بودن، با فرمانده‌ای برای امام زمان بودن که امام بتونن کارهای بزرگ بهش بسپرن خیلی فرق داره. برای من انجام شدن کار امام، و روی زمین نمودن کارهایی که باید انجام بشن، با اینکه من کار امام رو انجام بدم خیلی فرق داره. خوشحال نمیشم از اینکه ببینم یه عده دارن مسائل جامعه اسلامی رو حل میکنن اگر خودم جزو اون عده نباشم. خوشحال نمیشم از اینکه ببینم کار امام داره پیش میره اگر خودم نقش کلیدی در پیشبرد اون کار نداشته باشم. من از به دردبخور نبودن خیلی می‌ترسم. از طرفی هم می‌فهمم که توی این طرز فکر و احساس حتماً نوعی خودخواهی هست. می‌فهمم که باید از موفقیت شیعیان امام زمان خوشحال شم. و می‌فهمم که باید خوشحالی امام خوشحالی من باشه. برای همین در طول همه این سالها تمام تلاشم رو کردم که این حس هیچ بروزی نداشته باشه. هیچوقت سعی نکردم کار کسی که از من موفقتره رو کوچیک جلوه بدم یا خراب کنم یا پشت سرش حرف بزنم. خیلی هم تلاش می‌کنم که تحسینشون کنم و حتی پشت سرشون هم ازشون تعریف کنم. ولی این تلاشهای عملی هیچ چیز رو در دل و احساس من بهتر نکرده. با وجود این تلاشها همیشه اون کدورت و خودزنی و حتی گاهی دلشکستگی از اینکه من رو لایق خاص شدن ندونستن هست. ممنون شما هستم اگر هم به لحاظ نظری هم عملی من رو راهنمایی کنید. که در این مورد چه باوری رو در فکر خودم پرورش بدم، و چه اعمالی رو انجام بدم تا مسئله ام حل بشه.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این احساس رویهمرفته می‌تواند خوب باشد ولی توجه داشته باشید بعضی از یاران پیامبر خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» به طور مستقیم در کنار حضرت فعالیت داشتند مانند حضرت

علی «علیه‌السلام». ولی بعضی از یاران آن حضرت مانند اویس قرنی در حالی که او نتوانست پیامبر خدا را ملاقات کند بی‌سر و صدا با کمالاتی که از خود نشان داد، راه پیامبر خدا را در منطقه‌ی یمن هموار کرد و زمینه‌ی پذیرش ایمان به پیامبر خدا را با سلوک خود فراهم نمود. به همین جهت گاهی مسیر ما باید اویسی باشد و آن راه را کم و بی‌ارزش ندانیم زیرا بعضی از مردم با حرکات و سکنات ما متوجه می‌شوند که راهی برای سعادت در پیش است که به ظاهر چندان هم چشمگیر نیست. موفق باشید